

اسلام

و چگونگی تعامل و هم‌زیستی پیروان مذاهب اسلامی

حسین رجبی

(استاد و پژوهشگر حوزه علمیه قم)

چکیده

این نوشتار پژوهشی است درباره تبیین راه و روش‌ها، اصول و پایه‌های تعامل و هم‌زیستی میان پیروان مذاهب اسلام که با هم ارتباط دارند. این نوشتار با بهره‌گیری از منابع مورد قبول مذاهب اسلام یعنی قرآن، سنت و سیره بزرگان، افزون بر محورها، اصول و اسباب تعامل مثبت، به تبیین آفت و آسیب‌های تعامل پرداخته، تا عوامل ضعف و سستی مسلمانان و راه حل آن روشن شود. از آن‌جا که مسلمانان از مذاهب و فرقه‌های گوناگون شکل یافته‌اند و زمینه‌های اختلاف و نزاع فراوانی دارند، شایسته است که نگاه اسلام در مورد چگونگی ارتباط و تعامل مسلمانان با هم را تبیین کنیم.

برای رسیدن به این اهداف، نخست، به تبیین واژه‌های تعامل، گفت‌وگو، جدل، مناظره می‌پردازیم. سپس، درباره حفظ اصول و پایه‌هایی بحث می‌کنیم که در منابع اسلامی، به آن توصیه و تأکید شده است. در قسمت سوم، شیوه‌های تعامل از نگاه قرآن و روایات، نظیر: استفاده از راه‌های مسالمت‌آمیز، روش‌های عاطفی، روش‌های خیرخواهانه، مجادله احسن، عفو و اغماض، تلاش فرهنگی برای رفع شبهات عقاید و تبیین دیدگاه‌های مشترک بین مذاهب اسلامی و استفاده از وسیله مقدس برای معاشرت با یک‌دیگر و غیر آن توضیح داده شده است.

قسمت چهارم، به آسیب‌ها، آفت‌ها و موانع تعامل، نظیر: خشونت، تهدید، تطمیع، تکفیر، دشنام، استهزاء، تحقیر و غیر آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: تعامل، گفت‌وگو، جدال احسن، مناظره، مذاهب اسلامی، آفت و آسیب، حکمت و موعظه، تقریب و وحدت.

مقدمه

رویکرد جدید فرهیختگان و درد آشنایان جهان به گفت‌وگو، حکایت از نیاز کنونی انسان به تفاهم، هم‌فکری، هم‌دلی، خویشن‌داری، صلح و امنیت دارد. بشر در عصر بحران‌ها، تاریکی‌ها، تفرقه و دشمنی‌ها، خودخواهی و برتری‌طلبی‌ها خسته و افسرده شده و در پی یافتن معانی واقعی زندگی است. امروز انسان جویای راه و روشی است که با آن، به معانی مشترک فرهنگی و مفاهیم مشترک ذهنی دست یابد و با هم‌کاری و هم‌فکری، چاره‌ای برای بحران فراگیر زمان بیندیشد. از هر طرف در جست‌وجوی "کوکب هدایت" است و پس از تجربه‌های ناکام و سپردن راه‌های بی‌سرانجام، به این نتیجه رسیده است که بهترین وسیله برای قدم زدن در راه "مقصود" تعامل و گفت‌وگو است.

دین اسلام، دین استدلال، برهان و تعقل است؛ دین صدق و امانت، شرف و شهامت و کرامت‌های اخلاقی است. پیامبر ﷺ فرمود: *انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق*؛ برای کامل کردن کرامت‌های اخلاقی برانگیخته شدم. بدین سبب، پیامبر اسلام ﷺ از قومی که نه منطق و برهان داشتند و نه علم و آگاهی؛ بلکه سراسر زندگی‌شان را تعصب، جهالت، جنگ و کشتار و خشونت فراگرفته بود، با بهره‌گیری از دستورهای الهی، بهترین امت را ساخت. متأسفانه امروز مسلمانان به ارزش‌های دوران جاهلیت و پیش از اسلام بازگشته‌اند. گرفتاری و درماندگی مسلمانان، از درون، جامعه اسلامی را متزلزل و سست کرده است. یکی از آن گرفتاری‌ها، چگونگی ارتباط و تعامل با یک‌دیگر، به ویژه با پیروان مذاهب اسلامی، است. شاید بتوان گفت: آفت بزرگی که سایر دردها از آن پدید آمده، نحوه ارتباط و رفتار بسیار تندی است که بین فرقه‌های اسلامی، نظیر تکفیر، سب و دشنام و ... وجود داشته و دارد.

برای رهایی از چنین آفتی، نیازمند رجوع و بازگشت به منابع شناخت دردها، یعنی قرآن، سنت، سیره و سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام هستیم. بدون تردید، همان‌گونه که قرآن در این باره ما را راهنمایی کرده، سیره و سنت پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام نیز بر اساس «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ

اللَّهُ أَسْوَأُ حَسَنَةً^۱، أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۲ و حدیث ثقلین، سرمشق و الگوی مسلمانان است، زیرا سیره، خود، دریایی ژرف و عمیق از معارف و حقایق است که می‌توان از جزئی‌ترین رفتار آنان قوانین مهمی به دست آورد.

درباره اهمیت روش‌های تعامل - افزون بر آن چه بیان شد - یادآوری این نکته لازم است که برای تسخیر دل‌ها و نفوذ سخن حق، تنها چگونگی استدلال کافی نیست، بلکه چگونگی تعامل و شیوه‌های آن می‌تواند نقش اساسی داشته باشد. چه بسیارند افرادی که در بحث‌ها، بر مسائل علمی تسلط دارند، اما چون از شیوه‌های تعامل آگاهی یا توانایی به کارگیری آن را ندارند، موفق نمی‌شوند؛ به تعبیر دیگر، نیمی از وجود انسان را عواطف و نیمی دیگر را عقل و فکر شکل می‌دهد. چگونگی استدلال می‌تواند عقل و فکر را قانع کند، اما اقناع عواطف با به کارگیری شیوه‌های صحیح تعامل امکان‌پذیر است. به همین سبب قرآن می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۳ پس، با رحمت الهی تو را نرم‌خوی گردانید و اگر سخت دل

بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

خشونت و برتری‌جویی، تحقیر، اظهار کبر و غرور، احترام نگذاشتن به مقدسات دیگران، نداشتن صمیمیت و صداقت و... هر نوع فکر و استدلال قوی را بی‌اثر می‌سازد. هدف نهایی تعامل‌کننده این است که زمینه‌ها و شرایطی پدید آید تا طرف مقابل یا مجموعه انسان‌ها در مسیر حق هدایت شوند؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا» و چه کسی نیکو گفتارتر

است از کسی که به سوی خدا دعوت کرده و عمل صالح انجام دهد.

در این مرحله، باید به شناخت صحیح از اعتقادات حق (خدا، وحی، نبوت، معاد و سایر باورهای دینی) توجه شود.

۱. احزاب/۲۱.

۲. نساء/۵۹.

۳. آل عمران / ۱۵۹.

۴. فصلت / ۳۳.

در مراحل بعدی، به شناخت صحیح از مسائل و محدوده‌های مذهبی، نظیر موارد ذیل توجه می‌شود: شناساندن قوت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و آموزه‌های آنان، شناساندن مشترکات و مسائل اختلافی جزئی، آگاهی مردم از توطئه‌های دشمن مشترک، معرفی گروه‌های انحرافی که موجب تفرقه و نزاع می‌شوند و فراخواندن به هم زیستی مسالمت‌آمیز که منابع دینی بر آن تأکید دارند.

• پرسش‌های اصلی

۱. با توجه به این که خدای بزرگ - با عنایت ویژه خویش - بر مسلمانان مَنّت نهاده و سرچشمهٔ زلال معرفت، یعنی قرآن و سنت و عترت را در اختیار آنان قرار داده است، چرا در ابعاد گوناگون، بین آنان خصومت، اختلاف‌های دور از منطق، ضعف و ناتوانی وجود دارد؟ چرا بین مسلمانان بدبینی، سب و دشنام، افتراء، دروغ و خشونت وجود دارد؟ آیا راهی برای از بین بردن رسوم یاد شده وجود دارد؟
۲. چه اصول و شیوه‌هایی دربارهٔ تعامل بین ادیان الهی و پیروان مذاهب اسلامی در قرآن و روایات بیان شده است؟

• تعریف تعامل و واژه‌های مرتبط با آن

تعامل در لغت به معنای معامله و داد و ستد مردم با یک‌دیگر است؛^۱ بدین دلیل، تعامل باید بین دو طرف صورت گیرد. واژهٔ تعامل، امروزه بیشتر در ارتباطات سیاسی، علمی، فرهنگی و اخلاقی به کار می‌رود.

نکته‌ای که مناسب است در باب تعامل طرح شود، این است که جایگاه تعامل بین دو طرف است که با یک‌دیگر در یک امر، اشتراک و در امر دیگری، اختلاف داشته باشند و اگر هیچ نکتهٔ مشترکی نداشته باشند، تعامل در آن‌جا معنایی ندارد. به طور کلی، تعامل را می‌توان در محور انسان‌ها طرح کرد. نکتهٔ مشترک بین تمام انسان‌ها، انسانیت و هم زیستی و در بین ادیان الهی، اشتراک در اصول و پایه‌های دین است. بین پیروان ادیان نیز

۱. کتاب العین، ج ۲، ص ۱۵۳.

امور اشتراکی و اختلافی وجود دارد که با تعامل و گفت‌وگوی شایسته و مناسب، می‌توان از آن برای ارتقای فرهنگ، دین و مذهب کمک گرفت.

تعامل قلمروی گسترده دارد و از آن‌جا که تمام محدوده نیازهای فکری، فرهنگی، سیاسی، دینی، و مذهبی را فرا می‌گیرد، در ابعاد گفت‌وگوی حضوری، نوشتاری و نیز امور تبلیغی و پژوهشی صورت می‌پذیرد.

• گفت‌وگو

مقصود از "گفت‌وگو" عبارت است از: ارتباط انسان‌ها با یک‌دیگر، رساندن پیام خود به دیگری و شنیدن پیام دیگری، معرفی جایگاه وجودی خود و سعی در شناخت و به رسمیت شناختن جایگاه وجودی دیگری، شنیدن پیام تمام موجودات و همه طبیعت و نیز تنظیم چگونگی ربط و رابطه و ارتباط بر اساس

**تعامل در صورتی امکان‌پذیر است که
طرفین دارای برخی نکات مشترک
باشند و با محور قرار دادن آن نقاط،
به هم‌زیستی با یک‌دیگر بپردازند.**

این شناسایی‌ها و شناخت هم بستگی و انسجام موجود در جهان. واژه "گفت‌وگو" به معانی مکالمه، گفت و شنید و مباحثه آمده است.

• جدل

راغب اصفهانی می‌گوید: جدال، یعنی گفت‌وگو برای رفع منازعه و غلبه بر طرف مقابل. اصل آن از «جدلت الحبل؛ طناب را پیچیدم» است.^۱ قرآن کریم، جدال و مجادله را ابزار و وسیله‌ای معرفی می‌کند که هم در راه حق از آن می‌توان بهره گرفت و هم در راه باطل.

از آن‌جا که به هنگام گفت‌وگو، تلاش دو طرف برای قانع کردن دیگری است، بر آن مجادله اطلاق می‌شود. در قرآن، هر چند در برخی از آیات از مجادله جلوگیری شده؛ نظیر:

«وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»^۲ و آدمی بیشتر از هر چیز [با کلمه

حق] به جدل بی‌حاصل می‌پردازد.»

۱. المفردات، ص ۸۹

۲. کهف/۵۴

و آیه:

«يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ»^۱ با تو در حق مجادله می‌کنند، پس از آن

که با چشم می‌نگرند که آنان را به جانب مرگ می‌برند.»

با وجود این، در برخی دیگر از آیات، آن را روش گفت‌وگوی احسن خوانده است:

«وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۲ با آنان به نحو پسندیده‌ای مجادله کن.

«و لا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن. با اهل کتاب مجادله

نکنید، جز از راه پسندیده.»

از این دو دسته آیات به دست می‌آید که از هر نوع مجادله ای که همراه عناد، لجاجت و

بدون دلیل باشد، نهی شده است، ولی مجادله احسن، مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است

• مناظره

مناظره در لغت به معنای قرار دادن چیزی شبیه چیز دیگر و در گفت‌وگو نظیر او شدن است:

«يقال ناظرت فلانا؛ ای جعلته نظیرا له فی المخاطبة و ناظرات فلانا بفلان؛

ای جعلته نظیرا له»^۳

اما در اصطلاح، تعریف خاصی ندارد، بلکه همان معنای لغوی است که عبارت است از:

گفت‌وگویی که بین دو فرد یا دو گروه برای تبیین حقیقت انجام می‌شود. مناظره روشی

است که اگر بر اساس قواعد و شیوه خاص آن مبتنی شود، به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

از آن‌چه در مفهوم تعامل، جدل و مناظره گفته شد، روشن می‌شود که جدل و مناظره،

هر یک گفت‌وگو و تعامل خاص است و هر دو از مصادیق تعامل به شمار می‌رود؛ بنابراین،

دایره تعامل و گفت‌وگو وسیع‌تر از مناظره و جدل است. در مناظره، هدف از گفت‌وگو،

تبیین و روشن شدن حق و حقیقت است و در مجادله، هدف غلبه بر طرف دیگر است.

الجلال
و
الاکرام

۲۲

۱. انفال/۶.

۲. نحل/۱۲۵.

۳. کتاب العین، ج ۱۴، ص ۱۹۵.

اصول و محورهای شیوه‌های تعامل

تعامل‌های قرآنی

هیچ دینی مانند اسلام و هیچ کتابی مانند قرآن به تعامل، اخوت، هم‌بستگی و هم‌کاری و پرهیز از دشمنی و پراکندگی توصیه نفرموده است. قرآن کریم چگونگی تعامل با فرقه‌ها و پیروان ادیان گوناگون، نظیر: اهل کتاب، منافقین و مشرکان را نیز بیان کرده است. همچنین، نحوه تعامل مسلمانان با یک‌دیگر و سایر ادیان را تبیین کرده است. همان‌گونه که بین ادیان الهی، محورهای اختلاف و اشتراک وجود دارد و این محورها، زمینه‌های تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌آورد، بین مسلمانان، محورها و اصول بیشتری وجود دارد که ضرورت تعامل را می‌طلبد. به این ترتیب، مسلمانان باید تعامل بیشتری در روابط با هم داشته باشند.

قرآن کریم **محورهای تعامل** بین مسلمانان را در چند اصل بیان فرموده است:

• اعتقاد به توحید

از دیدگاه قرآن، نخستین محور تعامل، توحید است. گرچه موضوع توحید، با سایر ادیان الهی مشترک است، اما توحید و ایمان به معبود یگانه و آنچه مترتب بر آن می‌شود؛ نظیر: ایمان به غیب، فرشتگان، کتاب‌ها و پیامبران از ویژگی توحید اسلامی است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و این است (دوری از شرک و پرهیز از

گناهان) راه راست؛ پس، پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که

موجب پراکندگی شما از راه خدا می‌شود این سفارش خدا به شماست

شاید پرهیزگار شوید.»

• اطاعت و پیروی از رسول خدا

دومین محور تعامل امت اسلامی، اطاعت از پیامبر و التزام به دستورهای ایشان در تمام ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و قضایی است، زیرا رسول خدا، فرستاده خداست و جز

با وحی سخن نمی گوید:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ^۱. از سر هوس سخن نمی گوید،

این سخن به جز وحی ایی که به او می شود نیست.»

بدین جهت، اطاعت ایشان، اطاعت خداست:

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا^۲. هر

کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده و هر کس روی

گردان شود ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستادیم»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى

اللَّهِ وَالرَّسُولِ^۳. ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا

را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را

اطاعت کنید، پس هر گاه در امری اختلاف

کردید به خدا و رسول او عرضه کنید.»

عقیده به توحید، اطاعت از

پیامبر اسلام ﷺ، قرآن، سنت

اهل بیت علیهم السلام و اخوت دینی،

علم ترین اصول تعامل مسلمانان

است.

• قرآن، سنت و اهل بیت

شکی نیست که سه محور یاد شده از اصول و پایه های تعامل مسلمانان است، زیرا به

اعتراف تمام مسلمانان، ایمان به قرآن، سنت و عترت واجب است و انکار آن موجب خروج

از ایمان می شود. قرآن به راه حقیقت و استواری دعوت می کند:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ^۴»

همان گونه که سنت هم، امت را به این راه رهنمون می سازد، اهل بیت و عترت، در هر

زمان، میزان و محور حقیقت قرار گرفته و گفتار و رفتار آنان فصل الخطاب است:

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا^۵.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۴

۱. نجم/ ۳-۴.

۲. نساء/ ۸۰.

۳. نساء/ ۵۹.

۴. اسراء/ ۹.

۵. حشر/ ۷.

در آیه دیگر می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱

از این آیات محوریت قرآن، سنت و اهل‌بیت روشن می‌شود. این حقیقت در حدیث ثقلین نیز بیان شده است.^۲

• اخوت دینی

ایمان بین افراد یک جامعه ارتباط ویژه‌ای می‌آفریند؛ به گونه‌ای که بین افراد متعدد و گوناگون از جهت جنسیت، زبان، قومیت و مکان جغرافیایی، گروه واحد و یگانه‌ای را شکل می‌دهد و امتیازهای قبیله‌ای را کم‌رنگ و از بین می‌برد؛ چنان که در قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

لِتَعَارَفُوا»^۳ ای مردم، شما را از زن و مرد آفریدیم و قبیله‌ها قرار دادیم تا

یک‌دیگر را بشناسید.

و درباره اخوت می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»^۴ مومنان برادرند، پس بین

برادران را اصلاح کنید.

قرآن کریم ضمن دعوت مردم به تفکر، کرامت‌های اخلاقی، زندگی مسالمت‌آمیز، وحدت و اتحاد، از اختلاف و نزاع، که موجب ضعف و سستی امت اسلامی می‌شود، جلوگیری کرده است. پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام ایشان، ضمن بیان اصولی که می‌تواند قدرت و عزت اسلام و مسلمانان را حفظ کند، از آسیب‌ها و آفت‌هایی که زمینه درگیری و نزاع را فراهم می‌آورد، جلوگیری کرده و به امت هشدار می‌دهد که در پی آن عوامل حرکت نکند و از آن بپرهیزند. روشن است که رهایی از آفت‌ها و رسیدن به آرمان‌های جامعه توحیدی، در سایه رشد علمی، تعامل و گفت‌وگو در ابعاد گوناگون آن امکان‌پذیر است.

۱. نساء/۵۹.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، باب فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام.

۳. حجرات/۱۳.

۴. حجرات/۱۰.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«لَمُؤْمِنٌ أَخُو الْمُؤْمِنِ يَكْفُ عَلَيْهِ ضِعْفَتَهُ وَ يَحُوطُهُ مِنْ وَرَائِهِ»^۱ مؤمنان در

غیاب یک‌دیگر از مال و جان هم نگه داری می‌کنند.»

• پای‌بندی به ظواهر اسلام

یکی از راه‌هایی که قرآن کریم برای معالجه و برطرف کردن نزاع و اختلاف در جامعه به کار گرفته است، تعامل بر اساس رعایت ظواهر اسلام و جست‌وجو نکردن از باطن و نیت‌هاست. می‌توان گفت: بسیاری از اختلاف‌های موجود میان مسلمانان در اثر رعایت نکردن این دستور مهم قرآن است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ

السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...^۲ ای مؤمنان، چون در راه خدا بیرون روید، جست-

وجو کنید و به آن کسی که اظهار اسلام کند و سر تسلیم فرود آورد، نسبت کفر ندهید، تا به بهانه‌ای، مال و جان‌ش را بر خود حلال کنید و از متاع ناچیز دنیا غنیمت برید که غنایم بی‌شمار نزد خداست و شما نیز در پیش از این چنین بودید.»

به همین دلیل، در قرآن از تجسس جلوگیری شده، زیرا در پرتو آن، اسرار مؤمنان آشکار می‌شود؛ چنان‌که پیامبر اسلام خود به این دستور در مورد پیروان خود، حتی منافقان و کسانی که دل‌های آنان مریض بود، عمل فرمود.

پایه‌ها و محورهای تعامل در سنت اهل بیت (علیهم‌السلام)

یکی از مسائلی که در سیره علمی و عملی ائمه به چشم می‌خورد و می‌توان از ضروری‌ترین مسائل مورد ابتلای جهان اسلام دانست، چگونگی تعامل و ارتباط با پیروان ادیان و مذاهب است.

اهل بیت (علیهم‌السلام) برای حفظ و حراست از دین و عقاید اسلام، وارد تعامل و گفت‌وگو شدند و از حق الهی خویش برای مصلحت مهم‌تر دست کشیدند.

۱. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. نساء/۹۴.

تعامل اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با مخالفان خود، بر اساس اصول و محورهای زیر بوده است:

• حفظ و حراست از دین

بدون تردید، اهل بیت علیهم‌السلام، مانند پیامبران الهی، به ویژه پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، برای حفظ و حراست از ایمان و عقیده به خدا، نبوت و اعتقاد به قیامت می‌کوشیدند و با آنچه موجب تضعیف یا نابودی عقیده و باورهای اساسی می‌شد مبارزه می‌کردند. بدین سبب، مجموعه تعامل عملی و علمی اهل بیت علیهم‌السلام، معنای دیگری می‌یابد.

حضرت علی رضی‌الله‌تعالیه درباره موضوع خود در برابر خلافت ابوبکر و بیعت با خلفا در نامه‌ای به مردم مصر چنین می‌فرماید:

«فامسکت یدی حتی رأیت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام، يدعون

الی محتی دین محمد فخشیت ان لم انصر الاسلام و اهله ان اری فیہ ثلما او

هدما، تكون المصیبة به علی اعظم من فوت ولا یتکم الی انما هی متاع ایام

قلائل^۱؛ از پذیرش خلافت امساک کردم تا که دیدم گروهی از اسلام باز

گشتند می‌خواهند دین محمد را نابود سازند؛ پس، ترسیدم اگر اسلام و

طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن

باشم که در این صورت، مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن

حکومت بر شماست که کالای چند روزه دنیا است.»

امام به این واقعیت اشاره دارد که در آن موقعیت، چنانچه حرکت سیاسی مسلحانه را

پیش می‌گرفتند، اسلام با خطر بسیار اساسی روبه‌رو می‌شد، به ویژه آن که مسلمانان در آن

دوران، با حرکت‌های خطرناکی چون ظهور مسیلمه کذاب و مرتدان روبه‌رو شده بودند.

این روش در زندگی امام حسن رضی‌الله‌تعالیه و امام حسین رضی‌الله‌تعالیه نیز به خوبی مشاهده می‌شود. این

دو امام بزرگوار هر یک با شیوه خاصی به حفاظت و حراست از دین پرداختند، گاه با صلح

و گاه با جنگ، که تشخیص آن به دست خود ائمه بود. امام حسین رضی‌الله‌تعالیه حفاظت از اسلام

را در مبارزه با یزید و امام حسن رضی‌الله‌تعالیه در صلح با معاویه می‌دانست. امام زین العابدین رضی‌الله‌تعالیه

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۲ بخش ۵-۳.

برای مرزداران دعا و از اعمال آنان تمجید می‌کرد. امام صادق علیه السلام در برابر حرکت‌های فکری انحرافی و ارتدادی زمان خود به شیوه علمی و فرهنگی رو آورد که این شیوه در سلوک امامان بعدی به خوبی نمایان است. زندگی امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و سایر امامان، برای حراست از دین و حفظ نظام سیاسی اسلام از مسائلی بوده که بی‌توجهی به آن‌ها به ضرر اسلام تمام می‌شده است. امامان معصوم علیهم السلام با مراسم عمومی و مهم، نظیر: پرداخت زکات، شرکت در مراسم حج، نماز جمعه، نماز جماعت و غیر آن معامله می‌کردند و شیعیان خود را نیز به آن تشویق و ترغیب می‌کردند.

گفتنی است که موضع‌گیری امامان در برابر دشمنان خارجی و تهدیدهای آنان بیشتر نمایان بوده است؛ از این‌رو، هرجا تهدید خارجی وجود نداشت و از سویی، نظام سیاسی از درون با چالش روبه‌رو بود، در صورت وجود شرایط، نهضت‌های مردمی را علیه حکومت یاری می‌کردند و گاهی خود به انقلاب و جهاد می‌پرداختند؛ نظیر حرکت امام حسین علیه السلام در حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری. از سوی دیگر، اهل‌بیت علیهم السلام در برابر وجود انحراف‌ها احساس مسئولیت می‌کردند و در شرایط مناسب، آماده برخورد می‌شدند. بنابراین، موضع اهل‌بیت علیهم السلام در این مرحله، روش نقد و اصلاح بود و در صورت تأثیر نپذیرفتن حکام، برخورد ائمه به گونه‌ای دیگر صورت می‌گرفت؛ مثلاً با آنان هم‌کاری نمی‌کردند و شیعیان خود را نیز از مساعدت منع می‌کردند و از شرکت آنان در جنگ‌ها، که بیشتر برای اندوختن غنائم و تسلط بر اراضی و سرزمین‌ها بود، جلوگیری می‌کردند.

راه‌های تعامل و هم‌زیستی از نگاه قرآن

• تحقیق و انتخاب بهترین

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»؛ پس بشارت بده بندگان مرا که چون سخن بشنوند، نیک‌ترین آن را پیروی کنند. آنان کسانی هستند که خدا به لطف خاص خود هدایت فرموده و آنان خردمندان‌اند.»

در این آیه، چند نکته وجود دارد:

۱. شنیدن گفتار، یعنی اول گوش شنوایی باشد.

۲. پیروی کردن از بهترین گفتار.

جایگاه پیروی در مرحله پس از شنیدن قرار دارد؛ بدین سبب روشن شدن حقایق و واقعیت‌ها، رمز تبلور بشارت الهی به شمار می‌رود. اگر مرحله نخست گفت‌وگو تحقق نیابد، زمینه شنیدن و آشنایی پدید نمی‌آید و چنانچه مرحله دوم صورت نگیرد، شرط پیروی از سخن نیک فراهم نخواهد شد و بشارت الهی زمانی معنا می‌یابد که هر دو مرحله محقق شود.

۳. آیا هر فرد و هر جامعه‌ای می‌تواند از مصادیق آیه باشد؟ روشن است کسانی می‌توانند سخن و کلام دیگران را بشنوند و بهترین آن را برگزینند که خودشان از نظر علمی به حدی رسیده باشند که بتوانند بهترین سخن را بگزینند و احسن را از غیر احسن تشخیص دهند، و چنانچه به این مرحله نرسیده باشند، تحت تأثیر هر سخن و نوشتاری قرار خواهند گرفت؛ پس، از مصادیق این آیه به شمار نمی‌آیند.

۴. اختلاف پسندیده در جایی است که هنوز به علم و یقین نرسیده باشد و چنانچه به علم رسیده و اختلاف آن استمرار داشته باشد، باید نام آن را فتنه گذاشت. اختلاف پیش از علم آن است که برای رسیدن به حقیقت، همواره گفتار و دیدگاه‌ها را بررسی کند تا به نتیجه صحیح دست یابد و پس از آن، تسلیم حق شود. با توجه به این نکته، حدیث اختلاف امتی رحمه بر فرض صحت، در مورد اختلاف پیش از علم است، و گر نه اختلاف مطلق، موجب فتنه و نزاع امت می‌شود.^۱

۵. جایگاه آزادی بیان در مسایل اختلافی است، اما طرح آن در مباحث مشترک به انتخاب و گزینش نیاز ندارد.

۶. این آیه با بشارت دادن کسانی که در تعامل و گفت‌وگو با یکدیگرند به دستیابی به کمالات علمی و عملی می‌فرماید این مهم جز در سایه بررسی و تحقیق دیگران حاصل نمی‌شود

۱. ممکن است مقصود از اختلاف، رفت و آمد بین افراد باشد، چنان که در آیه: ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار؛ آل عمران / ۱۹۰؛ آمده است.

که متأسفانه امروزه میان مسلمانان خبری از شیوه قرآنی نیست یا بسیار اندک دیده می‌شود.

• احترام و بها دادن برای جذب دل‌ها

«قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ

فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ ای رسول ما، بگو آن کسی که از نعمت‌های آسمان‌ها و زمین، شما را روزی دهد کیست؟ بگو الله است و ما یا شما یکی در هدایت یا ضلالت روشن است.»

پیش از این آیه، به پیامبر اسلام ﷺ خطاب شده است: «به مشرکان بگو: آن‌هایی را که شما جز خداوند صاحب اثر پنداشتید، به اندازه‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک نیستند و با خداوند در آفرینش آسمان و زمین شریک نمی‌باشند و حتی در آفرینش، به او کمک و یاری نکرده‌اند.»

با توجه به این حقیقت روشن، با مشرکان

احتجاج می‌کند که از آنان بپرس که این همه نعمت در اطراف شما از کیست؟ در عین حال، برای آنکه زمینه گفت‌وگو و جذب آنان را آماده سازد، به گونه‌ای نتیجه می‌گیرد که گویا آنان نیز بر حق‌اند؛

در صورتی که اگر کسی به استدلال پیشین نظر

**کسانی می‌توانند سخن
دیگران را شنیده و بهترین
آن را برگزینند که خود
دارای بهره‌ای از رشد
علمی باشند.**

کند، بطلان و پوچی ادعای آنان روشن می‌شود، ولی باز هم با احترام سخن می‌گوید. نکته دیگری از این آیه، استفاده می‌شود و آن این است، که در گفت‌وگو و تعامل، باید شیوه انعطاف و انصاف را برگزید، تا برای استماع سخن حق، بیشتر آماده شوند. مضمون آیه این است که هر سخنی یا هدایت است یا ضلالت و صورت سومی ندارد. ما و شما دو سخن متفاوت داریم که با یکدیگر قابل جمع نیست؛ بنابراین، یا ما بر هدایت و شما بر ضلالتید یا شما بر هدایت و ما بر ضلالتیم. شما نگاه منصفانه داشته باشید و به دلایلی که یاد کردیم با چشم انصاف بنگرید، تا راه یابید و حق از باطل روشن شود.

• استفاده از اشتراک‌ها، از شیوه‌های مهم تعامل

پیامبر اسلام ﷺ با استفاده از مشترکات به گفت‌وگو تعامل با اهل کتاب می‌پردازد:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

بگو ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم و آن کلمه این است که جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت نگیریم؛ پس، اگر از حق روی گردند، بگویند شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم. ای اهل کتاب، چرا در آیین ابراهیم با یک‌دیگر مجادله می‌کنید و حال این که تورات و انجیل، فرستاده نشد، مگر پس از ابراهیم. آیا تعقل نمی‌کنید؟ گیرم در آنچه می‌دانید شما را مجادله روا باشد، چرا در آنچه عالم نیستید باز جدال و گفت‌وگو به میان آورید؟ و خدا همه چیز را می‌داند و شما نمی‌دانید (باید از کتاب و پیغمبر/و پیامورید). ابراهیم به آیین یهود و نصارا نبود، ولی به دین حنیف توحید و اسلام بود و هرگز از آنان نبود که به خدا شرک آورند.»

شیوه‌های تعامل در سنت

اصول و اسبابی که در روایات بیان شده، به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شود.

روایت‌هایی که به صورت عام آمده عبارتند از:

• رعایت احترام مسلمان و حرمت هتک آن

اسلام از ما خواسته که در مورد یک‌دیگر کمال ادب و احترام را رعایت کنیم. احترام گذاشتن به شخص یا چیزی که امتیاز و شرافتی دارد، پیش از آن که فضیلت آن شخص را

برساند، انسانیت و کرامت احترام‌کننده را می‌فهماند؛ چنانچه اهانت و تحقیر دیگران پستی و رذالت خود فرد را می‌فهماند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ان لله في الارض حرمت، حرمة كتاب الله، حرمة رسول الله، حرمة اهل بيت و حرمة الكعبة، و حرمة المسلم؛^۱ برای خدای بزرگ در زمین حرمت‌هایی است [که باید آن را رعایت کنیم] حرمت کتاب خدا، حرمت رسول خدا، حرمت اهل بیت، حرمت کعبه و حرمت مسلمان.»

• احساس هم‌دردی در امور مسلمانان

مسلمان نمی‌تواند خودبین باشد، فقط خود و منافع خود را ببیند، بلکه هر مسلمانی باید به فکر مسلمانان دیگر نیز باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«من اصبح لايهتم بامور المسلمين فليس منهم؛^۲ هر کس صبح کند و در پی اهتمام به امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.»

هم‌چنین می‌فرماید:

«من سمع رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم؛^۳ آن کسی که فریاد مردی را بشنود که درخواست کمک می‌کند و جوابش را ندهد، مسلمان نیست.»

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سؤال شد، محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«انفع الناس للناس؛ آن کس که سودش به مردم بیشتر باشد.»^۴

در روایات، مسلمانان به بنایی تشبیه شده‌اند که بعضی از آن موجب استحکام بعضی دیگر می‌شود.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۲.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۹.

۳. همان، ص ۲۵۱.

۴. همان، ص ۲۵۱.

از این رو، امام صادق علیه السلام مسلمانان را مانند تن یگانه‌ای دانسته که اگر قسمتی از آن به درد آید، آن درد سایر اعضا را دربرمی‌گیرد. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«المؤمن اخو المؤمن كالجسد الواحد ان اشتكى شيئا منه وجد الم ذلك في سائر جسده و ارواحهما من روح واحدة و ان روح المؤمن لاشد اتصالا بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها^۱ مؤمن برادر مؤمن است. [آنها] مانند یک جسم‌اند که اگر جایی از آن جسم به درد آید، دیگر اعضای جسم نیز احساس درد می‌کند و روح آن دو نفر یک روح است و [بدانید] ارتباط روح مؤمن به خداوند از ارتباط نور خورشید به خورشید شدیدتر است.

روایت‌هایی که ویژگی‌های تعامل شیعه را با برخی از مذاهب دیگر بیان می‌کند

در زمینه تعامل و برخورد شیعه با اهل سنت، بخشی از روایت‌هایی که آمده بدین قرار است:

۱. معاویه بن وهب می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کیف ینبغی لنا ان نضع فیما بیننا و بین قوما و فیما بیننا و خلطانا من الناس؟ قال: فقال تؤدون الامانة الیهم و یقیمون الشهادة لهم و علیهم تعودون مرضاهم و تشهدون جنازتهم؛^۲ شایسته است چگونه با مردمی که با ما زندگی می‌کنند، رفتار کنیم؟ امام در پاسخ فرمود: امانت آن‌ها را به آن‌ها برگردانید. هنگام نیاز بر سود و زیانشان گواهی دهید. بیمارانشان را عیادت کنید و در جنازه مرده‌هایشان حاضر شوید و در مراسم تشییع و دفن و کفن آن‌ها شرکت کنید.

۲. در روایت دیگری، معاویه بن وهب می‌پرسد: با اهل سنت چگونه تعامل و برخورد داشته باشیم؟ امام علیه السلام می‌فرماید: تنظرون الی ائمتکم، الذین تقتدون بهم فتصنعون ما یصنعون فوالله انهم ليعودون، مرضاهم؛^۳ به پیشوایان و رهبران خود نگاه کنید.

۱. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۴۸.

۲. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۴۷.

۳. همان، ص ۴۴۷.

هرگونه آن‌ها رفتار می‌کنند، شما همان‌گونه رفتار کنید. به خدا سوگند، آنان به عیادت بیمارانشان می‌روند و بر سر جنازه‌هایشان حاضر می‌شوند و به سود و زیان آن‌ها گواهی می‌دهند و امانت‌های آنان را به آن‌ها باز می‌گردانند.

• شرکت در نماز جماعت

امروزه پیروان مذهب امام صادق علیه السلام به هر کشوری که می‌روند و در آن‌جا اکثریت با مذاهب دیگر است. در نماز جماعت آن‌ها شرکت می‌کنند؛ نظیر جماعت‌های مکه و مدینه. اسلام و عقل، چنین روشی را تأیید می‌کند، زیرا جدا شدن از اجتماع و انسجام، به ویژه در مراسم و آداب اسلامی پسندیده نیست، بلکه موجب پراکندگی و دشمنی می‌شود از این‌رو، انتظار، این است که تمام مذاهب این‌گونه عمل کنند؛ همان‌گونه که بین برادران شیعه و سنی ایران این وضعیت برقرار است. روشن است که این شرکت در نماز جماعت نه تنها موجب تضعیف مذهب نمی‌شود، بلکه مایه عزت، احترام و شکوه مراسم عبادی مسلمانان و سبب انسجام و اتحاد بیشتر می‌شود و دشمن نمی‌تواند سوء استفاده کند. بنابراین شایسته است که پیروان مذاهب اسلامی، مسائل اختلافی جزئی را کنار بگذارند.

فتوای مفتی مصر، آقای دکتر نصر فرید واصل

آقای دکتر نصر درباره اقتدای به مخالف می‌نویسد:

«كل مسلم يؤمن بالله و يشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و لا ينكر معلوما من الدين بالضرورة و هو عالم بالاركان الاسلام و الصلاة و شروطها و هي متوفرة فيه فتصح امامته لغيره و امامة غيره له اذا توافرت فيه تلك الشروط و لو اختلف مذهبها الفقهي، و شيعة اهل البيت من نحلهم، و تشيع معهم الله و لرسوله و اهل بيته و صحابته جميعا و لا خلاف بيننا وبينهم في اصول الشريعة الاسلامية و لا فيما هو معلوم من الدين بالضرورة و قد صلبنا خلفهم و صلوا خلفنا في طهران و في قم في الايام التي ظرفنا الله بهم في دولة ايران الاسلامية و ندعوا الله ان يحق وحده الامة

الشيخ
عبدالله بن
عبدالمطلب
بن
عبدالمطلب
بن
عبدالمطلب

۳۴

الاسلامیة و یرفع عنهم ای شقاق او نزاع او خلاف قد حل بهم فی بعض مسائل الفروع الفقہیة المذهبیة؛^۱ هر مسلمانی که به خدا ایمان دارد، شهادتین و ضروریات دین را پذیرفته او آگاه به ارکان اسلام و نماز و شرایط آن است، امامت او برای دیگران و امامت دیگران برای او در صورت دارا بودن آن شروط صحیح است، هر چند از نظر فقهی با هم اختلافی نداریم، از این رو در تهران و قم پشت سر آنان نماز خواندیم. از خداوند می‌خواهم که وحدت و یکپارچگی امت اسلامی را محقق سازد.

عبدالرحمان شرقاوی می‌نویسد:

«و نحن نصلی وراء الامام الصالح شیعیاً کان ام سنیا... مالکیا کان ام حنفیا ام شافعیاً ام حنبلیاً ام ظاهریاً...»^۲ ما به هر کسی که صالح و شایسته باشد، خواه شیعه باشد یا سنی، مالکی باشد یا حنفی، شافعی باشد یا حنبلی یا ظاهری، به او اقتدا می‌کنیم.»

تقیه، یکی از روش‌های تعامل اهل‌بیت علیهم‌السلام

تقیه یکی از شیوه‌های تعامل علمی و عملی اهل‌بیت علیهم‌السلام، است که نقش فراوانی در محورهای یاد شده داشته است، زیرا تقیه در ابعاد گوناگون آن - خواه تقیه خوفی یا تقیه مداراتی - کمک بسیار اساسی به حفظ مبانی و اعتقادات و از سویی، به هماهنگی و هم‌سویی با سایر مسلمانان که در دیدگاه مخالف‌اند، می‌کند. بدین سبب، در فرهنگ و مطالب اهل‌بیت علیهم‌السلام، به موضوع تقیه اهتمام ویژه‌ای شده است؛ به گونه‌ای که در روایات از آن به دین تعبیر شده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«ان تقیة دینی و دین آبائی و لا ایمان لمن لا تقیة له،^۳ تقیه آیین من و آیین پدرانم است و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد.»

۱. اخبارالتقرب، رقم ۵۱-۵۲، ص ۲۸-۲۷.

۲. علی امام المتقین، ج ۱، ص ۸ به نقل از اخبار التقرب، رقم ۵۱-۵۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۰.

آسیب شناسی تعاملی

بدون تردید، تعامل مثبت در صورتی جامعه اسلامی را فرا می گیرد که افزون بر رعایت اصول و محورهای تعامل، از آسیب هایی که ممکن است با گفتار و نوشتار پیروان مذاهب در جامعه پدید بیاید، پرهیز شود و با رعایت حقوق اسلامی، که در گذشته بیان شد، زمینه برای از بین بردن آسیب ها آماده شود؛ در غیر این صورت، مجموعه آفت ها و آسیب ها جو جامعه اسلامی را بین پیروان مذاهب، متشنج و به نفع دشمن تغییر می دهد.

در ذیل به اختصار به بعضی از آسیب های تعامل اشاره می کنیم:

• سب و دشنام

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ»^۱؛ شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، تا مبدا آنان نیز از روی نادانی و دشمنی خدا را دشنام دهند. ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده ایم.

• به کار بردن واژه های ناپسند و تند

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲؛ ای اهل ایمان، هرگز نباید گروهی گروه دیگر را، هم چنین زن هایی زن های دیگر را مسخره کند، شاید آن ها بهتر از شما باشند. به یک دیگر طعن نزنید و به لقب های زشت از یک دیگر یاد نکنید؛ نام فسق پس از ایمان روا نیست و هر کس توبه نکند، از ستم گران است.

• دوستی با دشمنان اسلام و پذیرش حاکمیت آنان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ»^۳؛

۱. انعام / ۱۰۸.

۲. حجرات / ۱۱.

۳. ممتحنه / ۱.

ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید و با آنان طرح دوستی نیفکنید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»^۱ ای اهل ایمان؛ هرگز گروهی را که خداوند بر آنان غضب نموده، دوست خود مگیرید.

• پیروی از شیطان و وسوسه‌های شیطانی

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ»^۲ شیطان می‌خواهد با گناهان - شراب‌خواری و قماربازی - میان شما عداوت و کینه بیندازد.

• تفرقه، پراکندگی و پیروی از راه‌های گوناگون

آسیب‌هایی که یادآوری شد، زمینه و شرایط پراکندگی و تفرقه را در جامعه اسلامی پدید می‌آورد؛ به همین دلیل، در آیات مختلفی، به مسلمانان هشدار می‌دهد که موانع و آفت را از خود دور کنید و اجازه ندهید که این آفات در میان شما نفوذ کند و شما را از دستیابی به جامعه توحیدی باز دارد.

متأسفانه آفت‌هایی که اشاره شد، امروزه در جامعه اسلامی رو به افزایش است و روشن است که آثار بسیار ناگواری بین مسلمانان به جای می‌گذارد؛ از این رو، قرآن ضمن توصیه و تأکید بر هم‌گرایی، از اختلاف دور داشته است:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

عَظِيمٌ»^۳ شما مسلمانان مانند فرقه‌هایی نباشید

که پس از آیات و دلایل هدایت، راه تفرقه را پیمودند. چنین گروهی به طور یقین گرفتار عذابی سخت خواهند بود.

**تقیه، عامل مهمی در
حفظ تعامل و همزیستی
با دیگران است.**

۱. ممتحنه / ۱۳.

۲. مائده / ۹۱.

۳. آل عمران / ۱۰۵.

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱ به ریسمان خدا چنگ زنید و به راه‌های پراکنده نروید.

«أَنْ أَقِمْوَا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»^۲ دین خدا را بر پا دارید و از تفرقه و اختلاف در آن بپرهیزید.

هم چنین می‌فرماید:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۳ و این است راه راست (توحید و دوری از فساد) و از راه‌های دیگر جز راه خدا که موجب تفرقه و پراکندگی شماست پیروی نکنید. این سفارش خدا به شماست، شاید پرهیزگار شوید.

در این‌جا، به سخنان مهم پیامبر اسلام ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام آن حضرت که دربارهٔ آسیب‌ها و آفت‌های تعامل و زندگی مسالمت‌آمیز بیان شده و از سویی، حاکی از جایگاه مهم تعامل است، اشاره می‌کنیم:

• کینه و دشمنی

بر اساس آموزه‌های سنت نبوی، مسلمانان باید از ستیزه‌جویی، کینه توزی و تخاصم دوری کنند. در حدیث انس بن مالک از پیامبر اکرم ﷺ چنین آمده است:

«کینه‌هایی را که از هم در دل دارید، از خود دور کنید و هرگز به هم پشت نکنید. راه بندگی خدا را بپویدید و با هم برادر باشید بدانید که برای هیچ مسلمانی جایز نیست بیش از سه روز، از روی عداوت، از برادر ایمانی‌اش دوری گزیند.»^۴

در حدیث ابویوب انصاری نیز می‌خوانیم:

«برای مسلمانان روانیست که بیش از سه روز از هم دوری گزینند و در این مدت، از کنار هم بگذرند، ولی بر هم پشت کنند و بهترین آنان

۱. آل عمران / ۱۰۳.

۲. شوری / ۱۳.

۳. انعام / ۱۵۳.

۴. اللؤلؤ والمرجان، ج ۱، ص ۴۳۸.

کسی است که اول سلام کند.^۱

محب‌الدین طبری از پیامبر اسلام ﷺ روایت کرده است:

«ض غائن فی صدور اقوام لاییدونها الا من بعدی؛^۲ کینه‌ها در دل

گروه‌هایی است که آن را آشکار نمی‌سازند، مگر پس از مرگ من.»

در روایت دیگری آمده است:

«یا علی انک ستبلی بعدی فلا تقاتلن؛^۳ ای علی، پس از من با سختی‌ها

رو به رو خواهی شد، مبادا با آنان پیکار کنی.»

در این روایت، پیامبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را از جنگ با کینه ورزان آشکارا منع کرده

و به تعامل و گفت و گو فرا خوانده است.

• پی‌جوییِ عیوب و تحقیر

در حدیث ابوهریره آمده است:

«از گمان بد پرهیزید که گمان بد، دروغ‌ترین سخن است. دنبال عیوب

هم نگردید و در کار هم تجسس نکنید. از هم کینه به دل مگیرید و بر

هم پشت نکنید. بندگان خدا باشید و با هم برادری کنید.»^۴

باز در حدیثی از ابوهریره آمده است:

«مسلمانان با هم برادرند، در حق هم ستم روا نمی‌دارند، در یاری کردن

هم می‌کوشند و هرگز یک‌دیگر را کوچک و خوار نمی‌شمارند. هان!

بدانید که تقوا همین جاست. نگاه سه بار به سینه خود اشاره کرد و

گفت: برای مسلمان، همان بدی کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر

کند. و تجاوز به حریم مسلمان برای مسلمانان دیگر حرام است: به ویژه

به خون، دارایی و آبرویش.»^۵

۱. همان، ص ۴۳۹.

۲. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۸.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۲۵.

۴. مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۴۳۹.

۵. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۱.

• قتل و کشتار و حرمت شکنی

پیامبر اسلام ﷺ در حجة الوداع، پس از بیان اصول و پایه‌های عزت و وحدت امت اسلام که عبارت از قرآن و عترت است، به تمام مسلمانان هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

«ایها الناس ان دماکم و اعراضکم علیکم حرام الی ان تلقوا ربکم، کحرمة یومکم هذا فی بلدکم هذا الا هل بلغت؟ اللهم اشهد؛^۱ ای مردم، خون و آبروی شما بر شما حرام است تا به پروردگار خود برسیم. حرمت شما مانند حرمت این روز است در مکه. آیا این پیام را به امت رساندم؟ بار خدایا گواه باش. [که رساندم].»

• تعصب و فخرورزی

«لیس منا من دعا الی عصبیة او قتال؛^۲ کسی که به سوی تعصب روی آورده یا از روی تعصب پیکار کند، از ما نیست.»

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

«ایها الناس ان اباکم واحد، و ان ربکم واحد، کلکم لادم و آدم من تراب لافخر لعربی علی عجمی الا بالتقوی؛^۳ ای مردم، همانا خدای شما و پدر شما یکی است. همه شما از آدم آفریده شده‌اید و آدم از خاک است (اصل و نسب همه به خاک برمی‌گردد)، عرب را بر عجم فخر و امتیازی نیست، بلکه درجات شما بر اساس تقوای شماست.»

سب، دشنام و تحقیر دیگران و دوستی با دشمنان اسلام و پذیرش حاکمیت ایشان، از آسیب‌های تعامل می‌باشد.

• دشنام به مؤمن و هتک حرمت او

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر... و حرمة ماله کحرمة دمه؛^۴ دشنام به مؤمن موجب فسق، و جنگ با او کفر، و احترام به مال مؤمن، مانند احترام به جان وی است.»

۱. تحف العقول، ص ۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۸۳.

۳. همان، ج ۳۱، ص ۳۵.

۴. همان، ج ۷۵، ص ۵۰ و کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

در این باره، روایت‌های فراوانی از پیامبر اسلام وجود دارد که در بخش‌های دیگر بیان خواهیم کرد.

• تحقیر و اهانت

مسلمان حق ندارد مسلمان دیگری را تحقیر یا به او اهانت کند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«يَحْسَبُ امْرَأُ مِنَ الشَّرِّ، اِنْ يَحْقِرَ اَخَاهُ الْمُسْلِمُ؛ در بدی آدمی همین بس که برادر مسلمانش را تحقیر کند.»^۱

• لعن و فحش

مؤمن مسلمان حق ندارد به برادر مسلمان خود ناسزا بگوید یا او را لعن کند. اسلام حتی فحش و ناسزاگویی به اموات یک‌دیگر را حرام دانسته و از آن منع کرده است: «لَا تُسَبِّحُوا الْأَمْوَاتَ فَانَّهُ لَا يَحِلُّ سَبِّهِمْ.»

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«اِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ كُلَّ فَحَّاشٍ مُتَفَحِّشٍ؛^۲ خدا ناسزا گویی و ناسزاگویی را دوست ندارد.»

موانع تعامل از نگاه متفکران

بدون تردید، تعامل بین پیروان مذاهب اسلامی در صورتی امکان‌پذیر است که تعصبات قومی و مذهبی پیروان آنان به سعه صدر، تحمل و پذیرش یک‌دیگر تبدیل شود.

• نسبت‌های ناروا

دانشمند بزرگ، محمدتقی قمی، مؤسس دارالتقريب، درباره آسیب‌های تعامل میان مسلمان‌ها چنین می‌نویسد:

«ما از این رنج نمی‌بریم که چرا حقوق ما محترم نیست؟ و چرا برای ما حقوقی قائل نیستند؟ بلکه از این شکوه داریم که چرا این خرافات و اوهام

۱. کنز العمال، ج ۳، ح ۸۸۱۹

۲. همان، ج ۳، ح ۸۰۷۸

را به ما نسبت می‌دهند و چرا پیشوایان اسلامی اجازه این همه تبلیغات سوء را علیه شیعه داده‌اند؟ و چرا نویسندگانی که خواسته‌اند درباره شیعه چیزی بنویسند - اگر مغرض نبوده‌اند، به جای تحقیق و بررسی عقاید شیعه، از مصادر و مآخذ معتبر، از مصادر دشمنان شیعه اقتباس کرده و در افکار عمومی، انعکاس بدی از شیعه مجسم نموده‌اند؟^۱

بنابراین، مشکل ما از این‌جا سرچشمه می‌گیرد که ما را مغرضانه معرفی کرده‌اند و ما تاکنون نتوانسته‌ایم خود را بشناسانیم؛ درحالی که عقاید شیعه در اصول، «جز عقاید عموم مسلمانان چیزی نیست» و در مسایل غیر اساسی هم، چیزی از خود نداشته و جز پیروی از «دودمان نبوت» و خاندان وحی و رسالت، که بعضی از خواص اصحاب پیامبر ﷺ به آن معتقد بوده‌اند، معتقداتی ندارند.

• نفوذ رذایل اخلاقی، در بین مسلمانان

کاشف الغطا که از علمای بزرگ شیعه است، پیروی از هوا و هوس، نفاق و فساد اخلاقی را از آسیب‌های تعامل مسلمانان دانسته و باعث ایجاد زمینه‌های هجوم دشمنان خارجی می‌داند. رذایل اخلاقی؛ نظیر: حرص، حسد، خودخواهی و تفوق‌طلبی، سرچشمه انواع بدبختی‌هاست. هر ملتی، این صفات رذیله را در خود پرورش دهد، در حقیقت، راه نابودی را در پیش گرفته است، همت‌های آنها می‌میرد، اراده‌ها سست می‌شود، تفوق و پراکندگی، جای اتحاد و صمیمیت را خواهد گرفت. چنگال خونین استعمار و استثمار، گلوی آنها را خواهد فشرد و دشمنان به آسانی بر آنها پیروز می‌گردند.^۲

• تعصب در مورد فرقه‌ای خاص

میرزا محمدحسن شیرازی که با تدبیر و هوشیاری خاصی ناظر اوضاع و شاهد فساد انگلیسی‌ها بود، مسلمانان را به رفع اختلاف دعوت می‌کرد. او در پیامش به برادران شیعه می‌نویسد: «من راضی به وقوع امری که موجب کینه‌توزی، ضدیت و نزاع و نفرت و

۱. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. همان، ص ۳۶۶؛ این است آیین ما، ص ۵۳.

اختلاف کلمه در بین مسلمین گردد نیستیم.» او ضمن دعوت به اجتناب از کارهای فوق، آن‌ها را به «پیشه ساختن محبت و وحدت، به بهترین نحو حسن سلوک» ملزم می‌کند.^۱

• بدبینی، دشمنی و اختلاف

یکی از علمای اهل سنت «مسقط» به نام، شیخ احمد بن سعود السیابی، می‌گوید: بی‌تردید، پراکندگی مذاهب اسلامی به صورت گروه‌ها و احزاب، نتیجه عمل‌کرد سیاسی و تاریخی بوده است و حتی شکاف میان امت یا تشتت امت، بنا به دلایل سیاسی بوده که پیرامون حکومت‌ها دور می‌زد و امت به شکل

**اگر مطالبات اقتصادی رنگ
مذهبی به خود نگیرد و هر فرقه یا
گروهی در صدد کوبیدن دیگران
نباشند و نگاه خوش‌بینانه حاکم
شود، دستیابی به تعامل آسان‌تر
خواهد بود.**

احزاب کنونی از هم جدا شد و از نظر اعتقادی و فقهی هم تحت تأثیر دلایل سیاسی قرار گرفت؛ سپس، تاریخ اسلام در این مسیر ادامه یافت و هر از چند گاهی، به این فرقه دامن زده شد، تا این‌که امت اسلامی در جریان تاریخ تمدن خویش، دچار ضعف شد و در برابر استعمارگران، به صورت

«شکاری راه گم کرده» در آمد. در ادامه می‌گوید: ما «وحدت امت اسلامی» را می‌خواهیم و این مهم در این زمان امکان‌پذیر است. مهم این است که تفاهم داشته باشیم. ما نیاز به این فضا داریم، تا جانشین فضای آکنده از خصومت و نفرت میان پیروان مذاهب گوناگون شود. دشمنی میان پیروان مذاهب اسلامی از موضع‌گیری‌های تاریخی و در نتیجه، مذاهب اعتقادی ناشی می‌شود و این‌ها موضوع‌هایی است که می‌توان درباره‌شان به بحث و گفت‌وگو نشست.^۲

دکتر محمود حمدی زقزوق می‌گوید: «در مصر، فرقی میان مذهبی و مذهب دیگر قایل نمی‌شوند. مصریان همگی از اول تا آخر بیش از همه مردم، به اهل‌بیت علیهم‌السلام مهر می‌ورزند و این واقعیت به هیچ وجه تظاهر نیست. هر مصری در دورترین نقطه جنوب یا شمال کشور، به امام حسین علیه‌السلام و سیده زینب علیها‌السلام و همه اهل‌بیت علیهم‌السلام دل بسته است.

۱. همان، ص ۲۹۶.

۲. الندوة الاولى للتقريب بين المذاهب الاسلامية، ص ۴۸.

زمین بارور و آماده برای تقریب در مصر بود که بیش از پنجاه سال پیش، جمعیه التقرب بین المذاهب الاسلامیه را ایجاد کرد و تلاش‌هایی صورت گرفته که به خاطر آن مشایخ الازهر، چون شیخ شلتوت، شیخ مراغه‌ای، شیخ عبدالعزیز عیسی و دیگران مبارزه کردند. مجله «رسالة الاسلام» گواه راستین این مقوله است. این الگوی مصر را می‌توانیم در سایر کشورها توسعه دهیم.

لازم به یادآوری است که تقریب، به معنای ذوب کردن مذاهب نیست و نیز به معنای چیره ساختن مذهبی بر مذهب دیگر نیست، چه هر کس دیدگاه خود را دارد و اختلاف نظر، اندیشه اسلامی را غنا می‌بخشد و مسئله این نیست که فکر کنیم هر اختلاف نظری به معنای منازعه و پراکندگی است، خیر!

اختلاف نظر لازم است، ولی در کنارش تسامح نیز باید باشد؛ به این معنا که هر یک از ما به دیگری حق اظهار نظر بدهد و به آن احترام بگذارد. اگر تساهل و تسامح، به عنوان یک ارزش حکم‌فرما شود، به محو تمام رسوباتی که همه ما می‌شناسیم و تاکنون نیز همچنان پاره‌ای از آثار آن مشهود است، خواهد انجامید.^۱

پیشنهاد

پیروان مذاهب باید راهی را برگزینند که زمینه‌های آسیب‌پذیری را از میان بردارد، که در این جا به اختصار بدان می‌پردازیم:

به مطالباتی که مربوط به مسائل اجرایی یا اقتصادی کشور می‌شود، نگاه مذهبی نشود، زیرا موضع‌گیرهای مذهبی آثار منفی از خود به جا می‌گذارد بنابراین، این مشکلات را باید از راه قانون و مسیر طبیعی خودش پی‌گرفت تا کدورت و بدبینی ایجاد نشود و دولت اسلامی باید بدون گرایش مذهبی از تمام توانمندی‌ها و نیروهای فرقه‌ها و گروه‌های مختلف استفاده کند.

از سوی دیگر، شکی نیست که نگاه هر یک از پیروان مذاهب به یک‌دیگر این است

که مذهب مقابل آنان نقاط قوت و ضعف دارد؛ از این رو، گاهی با مراجعه به کتاب‌های حدیثی، تاریخی و فقهی، روایت‌ها یا نظریه‌هایی ضعیف و غیرصحیح دیده می‌شود که از نگاه خود آن مذهب، چون با اصول و مبانی مذهبی خاص خودشان پی‌ریزی شده، پذیرفتنی است، ولی مذهب مقابل آن را نمی‌پذیرد و گاه از آن به منظور تنقیص، تحقیر، اهانت و طعن استفاده می‌کند. آیا این روش پسندیده و مشروع است؟ آیا این‌گونه تعامل در طول تاریخ به سود مسلمانان بوده است یا به ضرر آنان؟ روشن است که هر انسان منصفی این روش را ناپسند و غیرشرعی می‌داند و از سویی، مسلمانان با مذاهب و دیدگاه‌های مختلف زندگی می‌کنند که باید با اجتهاد شجاعانه یک راه را برگزینند، اما این راه ممکن نیست، زیرا موانع فراوانی وجود دارد و حداقل آن این است که هر فرقه یا عالمی ادعا کند که آنچه او می‌گوید حق است؛ از این رو، راه صحیح آن است که نگاه خوش‌بینانه بین پیروان مذاهب وجود داشته باشد و دیدگاه‌های یک‌دیگر را با نگاه اجتهادی بنگرند؛ به این معنا که همان‌گونه که علمای یک مذهب در فروعات نظریات گوناگون دارند، در عین حال یک‌دیگر را به سبب نگاه اجتهادی می‌پذیرند و تحمل می‌کنند و به جای مقابله و هجمه، برداشت و نظر مخالف را محترم می‌شمارند. حال، چرا علمای مذاهب باید به یک‌دیگر چنین نگاه و احترامی نداشته باشند؟

پیشنهاد منطقی که قرآن، سنت، اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و صحابه بدان توصیه کرده‌اند، نگاه خوش‌بینانه و اجتهادی به اختلاف‌ها است؛ از این رو، موفقیت مسلمانان در مبارزه با نابسامانی‌های موجود در آن است که علما و مبلغان مذاهب به جای حمله و هجمه و بیان ضعف‌ها همراه با تحقیر، تنقیص، طعن و کوبیدن یک‌دیگر به توان‌مندی‌ها و نقاط قوت، که همه در آن مشترک‌اند بپردازیم.

آیا مناسب‌تر نیست که به جای بیان روایت‌های ضعیف در کتاب‌های حدیثی اهل سنت و کتاب‌های اربعه شیعه، به روش علمای هر فرقه و مذهب در تبیین و رفع ابهام‌ها یا توجیه یا انکار آن رفتار کنیم؟ آیا موقعیت زمانی اقتضا نمی‌کند که به جای نسبت دادن برخی عقاید مذهبی مخالف به یهود یا ادیان دیگر، به اجتهاد علمای آن فرقه، که از منابع

مورد قبول خودشان استفاده کرده‌اند، نسبت داده شود؟ آیا معقول نیست که به جای نسبت دادن تحریف در قرآن به یک‌دیگر، به دلیل وجود برخی از روایت‌های ضعیف، به گونه‌ای که علمای خود آن مذهب به آن روایت‌ها عمل می‌کنند یا توجیه یا مردود می‌دانند برخورد شود؟ زیرا دشمن اسلام از آن استفاده می‌کند و به دیگران اعلام می‌کند که براساس سخن خود مسلمانان، قرآن تحریف شده است.

البته این روش منافاتی با روش انتقاد علمی و به دور از تعصب ندارد. بیان عقاید و دیدگاه‌های دیگران همراه با نقد و ابطال دلایل مخالف، در صورتی که اصول علمی رعایت شود و با عناد و لجاحت، تحقیر و استهزاء همراه نباشد روش پسندیده و شرعی است و گویندگان و نویسندگان اسلامی نباید روش‌هایی را برگزینند که روابط را تیره و تار کند و فاصله‌ها را افزون سازد. اگر به این روش توجه و عمل شود، ما می‌توانیم زمینه‌های آسیب‌پذیری فرقه‌های اسلامی را از بین ببریم.

پس، علمای شیعه و سنی باید دست از تخریب یک‌دیگر بردارند و علیه هم تبلیغ نکنند و به جای این حرکت‌های تند بی‌حاصل به معرفی اسلام، قرآن، پیامبر اکرم و مشترکات بپردازند و مسائل اختلافی را بدون تعصب به گفت‌وگو بگذارند. متأسفانه مسلمانان اصل را رها کرده و به فرع چسبیده‌اند و تا اصل را نگیرند، به نجات نخواهند رسید.

نتیجه

آنچه در این نوشتار از قرآن، سیره گفتاری و رفتاری پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام، صحابه و علما بررسی شد گویای این واقعیت است که وظیفه تمام مسلمانان و پیروان هر مذهب آن است که برداشت‌ها و برخوردهای خود را بر پایه اصول سامان دهند، تا در سایه تعامل و گفت‌وگوهای مثبت، بر مشکلات و نابسامانی‌های جوامع اسلامی پیروز شوند. از این نوشتار نتیجه می‌گیریم که پژوهشگران، مبلغان و کسانی که در امور فرهنگی، دینی و مذهبی فعالیت دارند باید کارهای خود را بر اساس اصولی که در قرآن و سنت تبیین شده است، پی ببرند. روشن است که با رعایت این اصول و شیوه‌ها، می‌توان به تعامل مثبت دست یافت و جامعه توحیدی را در مسیر صحیح هدایت کرد؛ در غیر این صورت، با وجود دست‌های مرموز دشمنان و ناآگاهی برخی از فرقه‌های متعصب و تندرو، می‌توان بزرگ‌ترین

مشکلات را برای جامعه اسلامی پدید آورد، چنان‌که تجربه تاریخ این واقعیت تلخ را ثابت کرده است. قرآن و سنت با توصیه‌های روشن، حجت را بر مسلمانان تمام کرده و جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است، از این رو، عامل بدبختی، ضعف و ناتوانی مسلمانان از آن‌جا سرچشمه گرفته است که قرآن و سنت را کنار گذاشته و فعالیت‌های خودشان را براساس تعصبات قومی و مذهبی شکل می‌دهند و هرگز به فکر رفع مشکلاتی که از تعصبات و هم‌چنین، دست‌های مرموز دشمنان است، نیستند. با مطالعه این نوشتار، چگونگی تعامل با گروه‌های انحرافی روشن می‌شود. از آنچه بیان شد، پاسخ پرسش‌های اصلی و فرعی، که در مقدمه بیان شد، روشن می‌شود؛ زیرا رعایت اصول شیوه‌های تعامل و برخوردی که قرآن و سنت بیان می‌کند، به خوبی می‌تواند دردها و نابسامانی‌ها را از بین ببرد.

اصول مهمی که از قرآن و سنت به دست می‌آید، عبارت است از:

۱. حفظ اسلام و مسلمانان؛ ۲. حفظ ایمان و توحید؛ ۳. اخوت و برادری؛ ۴. وحدت و انسجام جامعه اسلامی؛ ۵. جذب مخالفان (از راه منطق، محبت، اخلاق، احترام به باورهای دیگران و مجادلهٔ پسندیده) هرچند از ادیان دیگر باشند؛ ۶. هدایت گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی. از این نوشتار می‌توان شیوه‌های گوناگون تعامل علمی و گفتاری را با برخی از فرقه‌های منحرف، مانند وهابیت، بهائیت و سایر فرقه‌ها را به دست آورد. این راه‌ها را می‌توان در دو مرحله برشمرد:

۱. مسالمت و ارشاد؛ ۲. قاطعیت و شدت عمل.

گفتنی است که با مطالعه روابط امت‌ها، اقوام، ادیان و مذاهب سه نوع برخورد به دست می‌آید:

* خشونت، که از راه‌های گوناگون اظهار می‌شود:

الف) توهین و دشنام؛ ب) تهدید و تطمیع؛ ج) استهزا و تحقیر؛ د) کوبیدن یک‌دیگر و تکفیر؛ هـ) قتل و غارت.

* بی تفاوت بودن در برابر مخالفان؛

* برخوردی میان دو مورد گذشته با انتخاب شیوه‌ای هم‌آهنگ و هم‌سو با عقل و دین الهی. با نگاهی به قرآن، روایت‌ها، سیرهٔ معصومین (علیهم‌السلام) و سایر مسلمانان روشن می‌شود که بهترین نوع تعامل، راه سوم است.

خدایا، آنچه مورد رضای تو بود، بیان کردم و آنچه وظیفه‌ام بود، برای مسلمانان به صورت شفاف گفتم. امیدوارم با عنایات خاصه تو، مسلمانان از وضعیت نابسامان کنونی با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رهایی یابند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، سید احمد موثقی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، تابستان ۱۳۷۱.
۳. اصول کافی، ابوجعفر کلینی، ترجمه محمد باقر کمره ای، محقق محمدباقر بهبودی و علی اکبر غفاری، ناشر مکتبه الاسلامیه، تهران، سال ۱۳۸۸.
۴. بحار الانوار، محمدتقی مجلسی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳.
۵. تحف العقول، ابو محمد حسن بن شعبه حرانی، مصحح: علی اکبر غفاری، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة تهران، ۱۳۵۲.
۶. سنن ابی داود، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰.
۷. صحیح مسلم، مسلم الحجاج نیشابوری، نشر دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۸. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، نشر دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۹. کتاب العین، عبد الرحمن الخلیل احمد فراهیدی، نشر موسسه اعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۸.
۱۰. کنز العمال، علی بن حسام الدین متقی، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹.
۱۱. اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان، محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۳.
۱۲. مفردات، راغب اصفهانی، نشر دارالعلم، دمشق، ۱۴۱۲.
۱۳. مجمع البیان، شیخ طبرسی، تحقیق گروهی از علماء، موسسه اعلمی بیروت، چاپ اول، [بی تا].
۱۴. مجمع الزوائد، علی بن ابوبکر هیثمی، نشر دارالکتاب، العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸.
۱۵. نهج البلاغه، فیض الاسلام، بی جا، [بی تا].
۱۶. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مکتب الاسلامیه، مصحح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۸ ق.